



# اشتغال مادران اختلالات رفتاری کودکان

## مقدمه

کودکی که به دنیا می آید، اغلب با مناسب ترین و کامل ترین امکانات رشد وارد این جهان می شود. او در بهترین حالات خود آفریده می شود و آمادگی و ظرفیت آن را دارد که به شایسته ترین وجهی پرورده شود و به برترین کمالات دست یابد. کافی است سالم به دنیا بیاید و خانواده و محیطی مناسب در اختیارش باشد تا ببالد و رشد و نمو کند و جای ارجمند خویش را در این جهان بیابد، اما زندگی خانوادگی و محیط آموزش بهداشتی و اجتماعی و فرهنگی بسیاری از مردم جهان چنان است که دستیابی به چنین مقصودی را دشوار و گاه امکان ناپذیر می سازد. حتی در مرفه ترین کشورهای جهان، فراوانند کودکانی که حداقل امکانات رفاهی و تربیتی را ندارند. برای نمونه، در جهان کنونی ما کودکان بسیاری بر اثر فقر و بیماری جان می سپارند. بزرگی این ارقام فقر بیماری و مرگ در کشورهای جهان سوم لرزه بر اندام انسان می اندازند. مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان نتیجه اجتناب ناپذیر فقر و جهل و بیماری و بد رفتاری و نابسامانی های خانوادگی و کاستی های آموزشی و فرهنگی و اجتماعی است. هرگونه رفتار که در مقطع زمانی خاص بروز می کند نماینده و محصول برخورد چهار عامل است: ۱. وراثت، ۲. محیط، ۳. یادگیری قبلی، ۴. شرایط بیوفیزیولوژیک موجود. متأسفانه ما به درستی نمی دانیم که هر گاه فرزندانمان از امکانات رشد و پرورش صحیح برخوردار باشند چه زندگی متعالی و ارزشمندی در انتظارشان است. ما اغلب غافل از آنیم که سعادت و کمال کودکانمان در گرو رشدیافتگی توانایی و دانایی ما بزرگسالان است. از میان ما مردم حتی آنان که قدری آگاه ترند نیز اغلب تصورات غیرواقع بینانه و مبهمی درباره کودکان دارند. اینان فکر می کنند که نه فرزندان آنان بلکه سایر کودکان هستند که مشکلات عاطفی و رفتاری دارند و اکثریت بزرگی از والدین مریبان و معلمان از این دسته اند. والدینی که رفتار نادرست فرزندانمان را طبیعی می دانند، مریبانی که در مورد رفتار کودکان دچار سطحی نگری هستند و معلمانی که برای خود وظیفه ای جز تسلط بر کلاس و ایجاد فضایی خشک و سرد حاکی از روابط یک جانبه معلم و شاگرد نمی شناسند، در نیافته اند که چه پیچیدگی های ظریفی در رشد و رفتار کودکان وجود دارد.

## اهمیت تحقیق

در مورد مسئله شاعل بودن مادران و تأثیری که نبود وجود ایشان در دوران اولیه کودکی بر روحيات، شخصیت و رفتار کودکان می گذارد و همچنین تأثیری که استرس های شغلی و دنیای نقش های چندگانه در شیوه خانه داری این مادران در تعلیم و تربیت کودکان دارد، زیاد سخن گفته شده و مطالعات چندی در این زمینه انجام گرفته است ولی هنوز از تأثیر جدایی مادران به واسطه اشتغال آنان کلا تأثیرات مثبت و منفی اشتغال مادر در رفتار و شخصیت کودک به روشنی مشخص نشده است. تحقیقاتی که تاکنون انجام شده دقیقاً ارتباط متغیر اشتغال را با بیماری های روانی مقایسه نکرده و بیشتر به مسائل زودگذر رفتاری و جنبه های شناختی هوش

کلیدواژه ها: اشتغال، مادران، رشد و رفتار کودکان، تأثیرات

زیان باری دارد. برخلاف تصور عمومی معلوم شده است که این کودکان نه از نظر اضطراب و احساس وابستگی از کودکان مادران خانه‌دار بالاترند و نه از نظر اتکا به خود و اعتماد به نفس که تصور می‌رود عدم حضور مادر موجب آن باشد. چنین حالاتی بیشتر قابل اسناد بر عوامل محیطی و شرایط و موقعیت‌های خانوادگی است. چه بسا همین عوامل و شرایط بوده است که مادر را وادار به اشتغال در بیرون از خانه کرده است.

بسیاری از مادران شاغل نیز با فراهم کردن امکانات مالی بهتر برای فرزندان خود به آن‌ها از این جنبه بیشتر می‌رسند و ممکن است از کار کردن احساس رضایت داشته باشند و همین احساس رضایت به شکل مثبتی در رفتار آنان با فرزندان خود منعکس شود. برخی از محققان (مثلاً هارتلی ۱۹۶۶) به شاغل بودن مادران به عنوان شاخصی برای نشان دادن تغییر نقش زنان در جامعه‌های فعلی نظر انداخته‌اند و اثر چنین نقشی را در ذهنیت کودکان از لحاظ ادراک نقش والدین بررسی کرده‌اند. نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهند دختران مادران شاغل، نقش زن را در خانواده‌های فعلی چندان متفاوت با نقش پدر نمی‌بینند و از نظر آنان دیگر پدر نقش نان‌آور خانواده و مادر نقش اداره‌کننده امور داخل خانه را بازی نمی‌کند. به نظر می‌رسد چنین درکی در این دختران توأم با احساس رضایت خاطر بیشتر نسبت به نقش خود در زندگی آینده خانوادگی است.

### اشتغال مادران و رشد کودک

نگرانی از وضع احتمالاً نامساعد فرزندان مادران شاغل به بازنگری پژوهشی وسیعی در سال ۱۹۸۲ توسط آکادمی علوم آمریکا منجر گردید. تعدادی از دانشمندان مشهور علوم اجتماعی همه شواهدی را که تأیید می‌کردند اشتغال مادران تأثیرات پایداری بر رشد کودک ندارد، بازنگری کردند

۱. آیا بین اشتغال مادران و اختلال رفتاری کودکان پیش‌دبستانی رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین اشتغال مادران و کمرویی کودکان پیش‌دبستانی رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. آیا بین اشتغال مادران و پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی رابطه معناداری وجود دارد؟
۴. آیا بین اشتغال مادران و ناسازگاری کودکان پیش‌دبستانی رابطه معناداری وجود دارد؟

### تعریف اصطلاحات

**اشتغال و شغل:** به معنی به کار وادار کردن کسی است و آنچه که مشغولیت می‌باشد از طریق اشتغال، فرد فعالانه در جریان تولید شرکت می‌کند و پاداش به صورت نقدی یا



در چهار سال اول زندگی به‌دلیل از جمله ناآشنایی با زبان مشترک لازم است که کودک حتی‌الامکان در خانه و در و دامن مادرش بزرگ شود

و پیشرفت تحصیلی کودکان پرداخته است. به‌خصوص در ایران تحقیقی در این رابطه صورت نگرفته است. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی کشور ما با کشورهای غربی که این‌گونه تحقیقات در آن صورت پذیرفته است و نقش اساسی و عمده مادر در خانه و تعلیم و تربیت کودکان با تأکیدی که دین مبین اسلام به عمده بودن کار تعلیم و تربیت کودکان برای زنان دارد، جا دارد که چنین پژوهشی در فرهنگ ما به‌طور گسترده و با در نظر گرفتن عوامل متعدد آن انجام گیرد.

### طرح مسئله

#### آثار اشتغال مادران بر فرزندان

مطالعاتی درباره آثار اشتغال مادران بر فرزندان انجام شده است. این مطالعات نتوانسته‌اند به روشنی نشان دهند که اشتغال مادر بر جنبه‌های عاطفی و سازگاری‌های این کودکان تأثیرات

اضطراب و نگرانی شدید شود. از طرف دیگر، چنین کودکی در همین مدت در یادگیری زبان مشترک تا آنجا پیش می‌رود که می‌تواند مقاصد خود را به بزرگسالان حالی کند و با همسالان خود نیز نوعی ارتباط برقرار نماید.

کودک از این پس بزرگ‌تر و از لحاظ فرصت‌های تجربی مورد نیاز و مورد درخواست پرتوقع‌تر از آن است که بتوان او را در خانه و در چارچوب روابط خانوادگی محدود ساخت. در چهار سال اول زندگی به‌دلایلی از جمله ناآشنایی با زبان مشترک لازم است که کودک حتی‌الامکان در خانه و در و دامان مادرش بزرگ شود و همچنان در خانه و دور از همسالان خود بماند؛ ولو از مراقبت مادر با پرستاری که کار خود را بلد است برخوردار شود.

### اختلالات رفتاری رایج در کودکان

**ناسازگاری:** کودکانی که تحت عنوان کودکان سازش نیافته یا ناسازگار مطرح می‌شوند، کودکانی هستند که رفتار آنان به‌طور قابل ملاحظه‌ای با همسالانشان متفاوت است. به بیانی ساده، ایشان به‌طور ناخواسته و ناخودآگاه رفتاری خودآزار یا دیگرآزاری دارند؛ یعنی رفتارشان به‌گونه‌ای است که خودشان یا دیگران را آزار می‌دهند. همچنین رفتار این‌گونه کودکان متناسب با سنی که در آن قرار دارند نیست. رفتار آنان در شرایط و موقعیت‌های مختلف متفاوت است و برخی از آنان قدرت تعمیم رفتارهای مطلوب را ندارند. البته این دو گروه آخر عموماً دچار نارسایی ذهنی هستند و همهٔ کودکان ناسازگار این‌چنین نیستند برای مثال، وقتی که کودکی سلام کردن را می‌آموزد، تنها به پدر و مادر خود سلام می‌دهد و در مورد دیگر افراد خانواده و مهمان‌ها این کار را انجام نمی‌دهد. کودک یاد می‌گیرد که با قاشق غذا بخورد ولی فقط با قاشق خودش غذا می‌خورد و نه با قاشق دیگر.

**کم‌رویی:** کم‌رویی یکی از شرایط ویژهٔ اجتماعی است که خاص است و در حیوانات



کودکی که از محیط گرم خانوادگی برخوردار باشد و دوره‌های شیرخوارگی و کودکی اول را در کنار مادری مهربان، متعادل و کاردان به سر برد، اعتمادبه‌نفس و امنیت خاطر کسب می‌کند

جنسی دریافت می‌دارد. از نظر راهنمای شغلی شغل عبارت است از: گروهی از موقعیت‌های مشابه در یک مؤسسه یا اداره و یا کارگاه که افراد واجد شرایط خاصی می‌توانند این موقعیت‌ها را احراز کنند و وظایف محوله را انجام دهند.

**اپیدمیولوژی:** اختلال سلوک در دوران کودکی و نوجوانی از اختلالات شایع است. تخمین زده می‌شود ۱۹ - ۶ درصد در پسران و ۹ - ۲ درصد در دختران زیر ۱۸ سال دچار این اختلال‌اند. این اختلال در پسران شایع‌تر از دختران است و نسبت پسر به دختر بین  $\frac{1}{4}$  تا  $\frac{1}{2}$  متفاوت است. اختلال سلوک در فرزندان والدین الکلی و مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی از جمعیت عمومی بیشتر دید. می‌شود میزان شیوع اختلال در رفتار ضد اجتماعی با عوامل اجتماعی و اقتصادی رابطهٔ مهم دارد.

### کودکی دوم - سال‌های ۵ و ۶ زندگی

کودکی که از محیط گرم خانوادگی برخوردار باشد و دوره‌های شیرخوارگی و کودکی اول را در کنار مادری مهربان، متعادل و کاردان به سر برد، اعتمادبه‌نفس و امنیت خاطر کسب می‌کند. تا آنجا که پس از آن می‌تواند هر روز ساعتی چند از مادر دور بماند؛ بدون اینکه دستخوش

وجود ندارد. نوعی از کم‌رویی در اصطلاح «**خجالت**» نامیده می‌شود که همراه با حالت اضطراب و غریبگی است و در تمام نوزادان مشاهده می‌شود. نوزاد انسان و حیوان هر دو دارای اضطراب ناشی از خجالت‌اند و آن اضطراب خجالت از غریبه است. تمام نوزادان در رو به رو شدن با افراد غریبه خجالت می‌کشند و اضطراب دارند. نوزاد انسان به دلیل اینکه مدت ۹ ماه در داخل شکم مادر به سر برده و با ضربان قلب و حرارت بدن مأنوس شده است، دوست دارد در آغوش مادر خویش باشد. بنابراین، وقتی او را در بغل یک غریبه مثل همسایه یا دوست و آشنا قرار می‌دهند. مضطرب می‌شود و می‌خواهد به آغوش مادرش بازگردد.

کم‌رویی پدیده‌ای ارثی نیست که از پدر و مادر به کودک منتقل شود بلکه والدین کم‌رویی را در خانواده به کودک می‌آموزند. آموزش کم‌رویی از طریق اضطراب و کم‌رویی پدر و مادر و تنبیه و تهدید کردن کودکان انجام می‌گیرد. از سوی دیگر، کمال‌جویی پدر و مادر نیز کودک را به طرف کم‌رویی سوق می‌دهد؛ یعنی برخی از پدران و مادران به دلیل کمال‌جویی خود نمی‌گذارند کودکانشان مهارت‌های لازم را کسب کنند. کودکانی که کم‌رو بار می‌آیند، به تدریج احساس خودارزشمندی‌شان به حداقل کاهش می‌یابد برای این اساس، دچار شکست‌های بسیار می‌شوند. مواجه شدن با تجارب تلخ و ناموفق سبب استمرار حالت کم‌رویی در این کودکان می‌گردد.

**پرخاشگری:** افرادی که احساس خشم در آن‌ها وجود دارد و نسبت به خودشان و اطرافیان زود خشمگین می‌شوند، رفتار پرخاشگرانه دارند. هیجان به‌خودی خود بد نیست، در تمامی انسان‌ها وجود دارد و می‌تواند در جهت مطلوب به کار رود. هیجان و غریزه خشم میان انسان‌ها مشترک است و در حیوانات به‌صورت کاملاً طبیعی ظهور می‌کند. حیوان موقعی که منافعش به خطر می‌افتد و جان او که بزرگ‌ترین منفعت است در خطر قرار می‌گیرد، پرخاشگر می‌شود و رفتارش تبدیل به دفاع می‌گردد.

هیجان به‌خودی خود بد نیست، در تمامی انسان‌ها وجود دارد و می‌تواند در جهت مطلوب به کار رود

زمان خشم بسیار مقدس است که انسان بتواند آن را کنترل کند و خویش‌نوار باشد و بداند کجا خشمگین شود و کجا نشود. پس نتیجه می‌گیریم که کودک باید بیاموزد که خشمش را کنترل کند.

### جدایی از مادر به دلیل اشتغال او

هویت شغلی بخش مهمی از مجموعه هویت غالب افراد، اعم از پسر و جوان را شکل می‌دهد. شغلی که ارزش اجتماعی داشته باشد و به‌خوبی از عهده آن بتوان برآمد، عزت‌نفس فرد را زیاد می‌کند و به ایجاد احساس ایمنی و هویت با ثبات کمک می‌کند. همه روزه زنان بیشتری به اشتغال در خارج از خانه روی می‌آورند. بعد از جنگ جهانی دوم تا به حال در جامعه آمریکا تعداد زنانی که وارد بازار کار شده‌اند، بسیار افزایش یافته است. در سال ۱۹۴۷ فقط ۱۳٪ همه زنان در آمریکا کار می‌کردند. در سال ۱۹۸۰ این رقم به بیش از ۳۰٪ رسید. از میان این زنان بخش مهمی را مادران شاغل تشکیل می‌دهند.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهشی در زمینه وابستگی کودک و مزایای برخورداری از یک محیط انگیزنده و نقش جدایی از مادر در نخستین سال‌های زندگی بر ناراحتی‌های سازگاری و به‌طور کلی روانی کودک، لازم است اثر روند حاضر را بر نسل‌های آینده بررسی کنیم. مادران شاغل راهکارهای گوناگونی را برای نگهداری کودکانشان به کار می‌گیرند اکثر آنان به هنگام کار، کودکان پیش‌دبستانی خود را تحت مراقبت یک پرستار یا یکی از خویشاوندان خود قرار می‌دهند و بقیه، آن‌ها را به مهدکودک‌ها می‌سپارند. روشن است که تأثیر اشتغال بر رشد کودک تا حدود زیادی به کیفیت مراقبت از کودک توسط جانشین مادر بستگی دارد. پژوهشی در این زمینه بر دو حوزه گسترده متمرکز شده است:

۱. تأثیرات عمومی داشتن مادر شاغل در مقایسه با مادر تمام‌وقت بر کودک؛
  ۲. اثر مراقبت فردی در مقایسه با مراقبت گروهی.
- به‌نظر می‌رسد دختران بیشتر از پسران از داشتن مادران شاغل بهره می‌برند. دخترانی که مادران شاغل دارند نسبت به دخترانی که مادران غیرشاغل دارند، خودبستگی، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بیشتری دارند و تمایل بیشتری به اشتغال نشان می‌دهند.

### منابع

۱. آلن بنی‌هارت، املین. آموزشی و پرورشی کودکان، ترجمه دکتر نظری‌نژاد.
۲. دکتر افروز، غلامعلی، نگاهی به روش‌های تعلیم و تربیت و اختلالات رفتاری رایج در کودکان.
۳. دارابی، علی و شاهمرادی، احمد و فرهم‌نیا، فروزان. روانشناسی تربیتی
۴. سعیدینیا، سعید و برزو، علی و طاهری، شاهین؛ پایان‌نامه درجه دکترای پزشکی